

## نقد و بررسی



# تحلیل جمعیتی بر مبنای کدام موازین علمی؟

### چکیده:

#### ○ مجید کوششی

عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

ساختار سنی جمعیت عنوان کتاب تالیفی عبدالعلی لهستانی زاده، یکی از مهم ترین موضوعات جمعیت شناسی و در واقع پل پیوند مسایل و مباحث جمعیتی با مسایل اجتماعی جوامع مختلف را طرح نموده است. ساختار سنی جمعیت حاصل فرایند مستمر جانشینی نسل‌هاست و توجه به آن از دستاوردهای جمعیت‌شناسی جدیدی محسوب می‌شود. کتاب مورد بررسی از دو جنبه قابل نقد است (۱) از جنبه فرم و فصل‌بندی و (۲) از نظر محتوایی. از جنبه فرم و ساختار چنین به نظر می‌آید که شکل نسبتاً موزون و هماهنگی برای موضوعات و فصول انتخاب شده و بطور کلی ترتیب موضوعات از نظر ارتباط آنها و تقدم و تاخرشان مشکل جدی ندارد. در محتوای کتاب به طور پرآکنده جنبه‌های مفیدی، بیشتر در تحلیل آثار شکل و ساختمان نسبی جمعیت‌ها، ارائه شده است. با این وجود اشکالات جدی و مهمی در مضامین کلی محتوای فصول دیده می‌شود. عدم ارزیابی درست از آرقام به دست آمده برای شاخص‌های، خلط مفهومی در اصطلاحات تخصصی، ناهماهنگی تحلیل‌ها و خصوصاً تأکید نوبسفته بر دستیابی به ساختار سالخورده جمعیت به عنوان هدف کشور‌های در حال توسعه نکاتی است که در جای جای کتاب به عنوان موارد قابل بحث دیده می‌شود. نکته مهم دیگر این که پرداختن به مهاجرت بین‌المللی به عنوان عامل تغییر ساختار سنی موجب می‌شود تا این تصور قوت بگیرد که عنوان کتاب بهترین بود «ساختار سنی جمعیت‌های ملی» انتخاب شد و نه موضوع عام‌تر «ساختار سنی جمعیت».

#### ○ ساختار سنی جمعیت

#### ○ عبدالعلی لهستانی زاده

#### ○ نوید (شیراز)

○ ۱۳۷۹، ۱۵۲ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه

می‌شوند و در صورت تمایل، کمتر در این دو سوی طیف باقی می‌مانند، چرا که راه حل دیگری برای جبران تندی و کندگی جانشینی نسل‌ها وجود دارد و آن عبارت است از «مهاجرت». از این رو در جمعیت‌های باز، حرکت سنی به عنوان حاصل و نتیجه جانشینی نسل‌ها از تکامل سه عنصر باروری، مرگ و میر و مهاجرت به وجود می‌آید و این سه مؤلفه رشد را سه عامل مهم ساختار سنی و تغییرات آن برمی‌شمارند. ساختار سنی جمعیت‌های انسانی و عوامل مؤثر بر آن با عوامل و مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی جوامع در تعامل هستند. حال آن که بیشتر به آثار ساختار سنی توجه می‌شود تا عوامل مؤثر بر وضعیت و تغییرات آن. کتاب «ساختار سنی جمعیت» اساساً درصدد طرح چنین موضوعاتی است یعنی طرح عوامل مؤثر بر ساختار سنی و متقابلاً طرح آثار اقتصادی و اجتماعی آن.



### مقدمه

ساختار سنی جمعیت‌های انسانی در حقیقت عصاره اندیشه‌های جمعیت‌شناسی قرن بیستم و بهترین منظر و رویکرد جمعیت‌شناسی در تحلیل مسایل اجتماعی جوامع از این دیدگاه است. جانشینی نسل‌ها به عنوان مهم‌ترین کشف جمعیت‌شناسی جدید به طور مشهورتر در حرکت سنی تجلی می‌یابد که بررسی آن نیازمند شناخت ساختار سنی جمعیت‌ها و چگونگی تغییرات آن است. از جنبه نظری دو جمعیت‌الگو می‌توان در دو سوی طیف جانشینی نسل‌ها طرح و تصور نمود (۱) جمعیت‌های بسته‌ای که به دلیل بالا بودن سطح باروری نسبت به سطح مرگ و میر از جانشینی تندی برخوردارند (جمعیت‌های در محله گذار) و جمعیت‌های بسته‌ای که به دلیل پایین بودن سطح باروری نسبت به سطح مرگ و میر از جانشینی کندگی برخوردار می‌باشند (جمعیت‌های پس از گذار). تجربه جمعیت‌های واقعی نشان می‌دهد که عملاً جوامع کمتر به این دو سوی طیف متمایل



این بیان نویسنده که مهاجرت برای همه ستین رخ می‌دهد با واقعیت مشاهده شده در مورد مهاجرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مطابقت ندارد و حتی با آنچه در قسمت مربوط به نقش مهاجرت‌های بین‌المللی در همین کتاب آمده است، تعارض دارد

این نقل قول بدون مرجع رها شده است. به همین ترتیب در صفحه ۴۹ ایده مهمی را به جمعیت‌شناسان نسبت داده است در حالی که از یک نفر نقل قول شده است، ایده مطرح شده با دو فرض بیان شده که اولاً ایده‌ای آزمون شده نیست و بنابراین نباید به جمعیت‌شناسان نسبت داد و ثانیاً این ایده در حد فرضیه منسوب به یک نفر است نه یک گروه همچون جمعیت‌شناسان.

(ت) تحلیل گذرا و سطحی: در بخش‌هایی از کتاب، نویسنده تلاش کرده است تا به تحلیلی از عوامل و نتایج ساختار سنی جمعیت دست یابد. متأسفانه در اکثر موارد این تحلیل در سطح باقی‌مانده و بدون توجه به این که پرداختن به چنین موضوعات و تحلیل‌های مهمی مستلزم دقت و موشکافی حرفه‌ای است، این بحث گشوده شده است. مهم‌ترین نمونه این سطحی‌نگری را می‌توان در فصل سوم و در بحث از عوامل مؤثر بر باروری و تحلیل روند تغییرات آن در ایران ملاحظه نمود. ارائه تحلیل ناقص از روند باروری در ایران و عدم تحلیل عمیق و واقع‌بینانه باعث شده تا نویسنده کاهش شدید و محسوس باروری در اواخر دهه ۱۳۶۰ و دهه ۱۳۷۰ را تنها حاصل توجه و فعالیت دولت بدانند در حالی که بسیاری از مطالعات نشان می‌دهند که باروری از حدود سال ۱۳۶۴ رو به کاهش گذارده و نقش دولت با اجرای برنامه تنظیم خانواده نقش کمکی و حمایتی بوده است. این تحلیل هیچ توجه جدی به تغییر شرایط اقتصادی به ویژه فشارهای اقتصادی آغاز شده از سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۰ نداشته و نگاهی جامع به عوامل و زمینه‌سازهای تغییرات باروری ارائه ننموده است. همین مشکل از نظر ملاحظه روند تغییرات باروری نیز حائز اهمیت است. عدم تسلط نویسنده به روش‌های ارزیابی داده‌های جمعیتی و تحلیل روند شاخص‌های دموگرافیک موجب شده تا چنین نتیجه بگیرد که

(الف) موارد صوری و ظاهری: اولین نکته‌ای که در مرور این کتاب به طور برجسته به چشم می‌خورد اغلاط چاپی و جملات دارای ساختار نگارشی نامناسب است که گاهی به محتوای کتاب آسیب رسانده و گفتارها را لنگ نموده است. (برای نمونه سطر آخر صفحه ۲۷). به نظر می‌رسد این کتاب عجلانه تهیه و چاپ شده است. مورد دیگر به کار بردن مفاهیم و اصطلاحات نامتعارف است. به عنوان نمونه در فصل سوم به کرات از اصطلاح میزان باروری استفاده شده در حالی که ظاهر ارقام نشان می‌دهد که این اصطلاح به طور نامتعارف برای شاخصی به نام میزان باروری کل یا TFR به کار برده شده است.

(ب) تعارض و تناقض گفتارها: هر چند این کتاب اصولاً فاقد ایده و ادعای منظم و مستقل است، لیکن در بسیاری از موارد تناقضات آشکاری در مقدمات و نتیجه‌گیری‌ها دیده می‌شود. برای نمونه نتیجه ذکر شده در سطر ششم صفحه ۲۸ با آنچه در سطر اول پاراگراف آخر در صفحه ۲۵ ارائه شده در تناقض و تعارض قرار دارد. از همین سنخ می‌توان نمونه‌های دیگری چون سطر آخر از پاراگراف اول صفحه ۳۲ و همچنین سطر اول تا دوم از پاراگراف دوم همان صفحه را ذکر نمود.

(ب) ابهام در مآخذ و نقل قول‌ها: در متن کتاب موارد زیادی را می‌توان مشاهده نمود که شیوه نقل قول نامشخص و مبهم است. حتی موارد زیادی را می‌توان دید که نقل قول‌ها بدون مآخذ رها شده‌اند. و با یک ایده به جای این که به گروهی از جمعیت‌شناسان منتسب شود به کل جمعیت‌شناسان نسبت داده شده است. برای نمونه در صفحه ۵۲ آمده است که «عده‌ای از جمعیت‌شناسان بر این باورند که امید زندگی از ۸۵ سال بالاتر نخواهد رفت». برخی دیگر از جمعیت‌شناسان بیان می‌کنند که حد نهایی ۸۵ سالگی برای امید زندگی وجود ندارد...»

#### مروری بر محتوای کتاب

همان طور که اشاره شد این کتاب به یکی از مهم‌ترین موضوعات جمعیتی می‌پردازد که اغلب به عنوان زمینه‌ساز برخی مسایل اجتماعی و گاه برخی مزایای اجتماعی محسوب می‌شود. این کتاب مشتعل بر شش فصل است: فصل اول به طرح ضرورت توجه به ساختار سنی جمعیت و اهمیت آن اختصاص دارد. فصل دوم در صد بررسی و شناخت ساختار سنی جمعیت جهان، کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته و نهایتاً ایران است و فصل سوم عوامل تعیین‌کننده ساختار سنی جمعیت را معرفی می‌کند. در این فصل به نظر می‌رسد به دلیل اهمیت بیشتر مهاجرت می‌بایست طرح این عامل، قبل از مرگ و میر صورت می‌گرفت. هر چند به خاطر تقدم مرگ و میر در بین سه عنصر تحولات جمعیت، تقدم و تاخر این عوامل در فصل سوم موجه به نظر می‌آید. فصل چهارم به آثار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ساختار سنی می‌پردازد. نویسنده در این فصل موفق‌تر از فصل سوم می‌نماید فصل پنجمین سیاست‌های جمعیتی به طور عام و سیاست‌های جمعیتی ساختار سنی به طور خاص را بررسی می‌کند و از نظر محتوایی به نظر ناهماهنگ‌تر از فصول دیگر است و بیشتر در سطح باقی مانده و به ذکر تجارب بعضی از کشورها و امار و ارقام آنها بسنده شده است. فصل ششم نتیجه‌گیری نویسنده از بررسی ساختار سنی و عوامل و آثار آن را در قالب ایده‌هایی ارائه می‌کند.

#### بررسی محتوای فصول

بررسی کتاب «ساختار سنی جمعیت» نشان می‌دهد که این کتاب دارای برخی جنبه‌های مفید و مثبت و مقارن موارد قابل بحث و نقد است. نتیجه این بررسی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

این نتیجه‌گیری کتاب که مهاجرین خارجی به افزایش باروری و جوانی جمعیت کمک می‌کنند هیچ استناد تجربی و آماری قابل قبولی ندارد و به نظر واقع بینانه نیست

مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی زیادی در پس اوضاع به ظاهر مناسب‌تر ساختار سنی سالخورده وجود دارد که کمتر از مشکلات مبتلا به ساختارهای سنی جوان نیست

موارد زیادی را می‌توان مشاهده کرد که شیوه نقل قول نامشخص و مبهم است، حتی موارد زیادی را می‌توان دید که نقل قول‌ها بدون مآخذ رها شده‌اند

نتیجه‌گیری از روابط آن دو کاملاً غلط و گمراه‌کننده است. حرکت سنی ناشی از جانشینی نسل‌ها واقع و فرایندی نیست که طی یک سال یا چند سال جمعیتی را سالخورده کند و مستلزم گذشت زمان است، اما تغییر در تعداد موالید سریعاً قاعده هرم سنی جمعیت‌ها را تغییر می‌دهد.

(ج) بحث از مهاجرت و نقش آن در ساختار سنی: همان‌طور که گفته شد مهاجرت یکی از مهمترین عوامل تغییر در ساختار سنی جمعیت‌ها است و این عامل از ابتدای قرن بیستم و به ویژه در نیمه دوم این قرن در کشورهای در حال توسعه حتی نسبت به عوامل دیگر مهم‌تر و مؤثرتر بوده است. در کتاب «ساختار سنی جمعیت» صفحات ۵۹ تا ۷۱ به طرح و بررسی این عامل مهم مؤثر بر ساختار سنی پرداخته است و در این مورد نکات ذیل به نظر قابل توجه است:

(۱) علیرغم بحث نسبتاً مفصل در مورد مهاجرت، این کتاب بیش از آن که از تاثیر مهاجرت بر ساختار سنی سخن گوید (هدفی که نویسنده در مقدمه کتاب عنوان کرده است) به ارائه آمار مهاجران بین‌المللی اکتفا نموده است.

(۲) به مهاجرت‌های منطقه‌ای و داخلی که تاثیر به‌سزایی در غیر ساختار سنی جمعیت‌های منطقه‌ای داشته هیچ اشاره‌ای نشده است.

(۳) بسیاری از تحلیل‌ها بدون شواهد کافی ارائه شده و نتیجه‌گیری از ایده‌های مربوط به مهاجرت نیروی کار سطحی است. تاکید زیاد بر جوان باقی ماندن ساختار سنی جمعیت کشورهای در حال توسعه در اثر مهاجرت نیروی کار مجدداً این شبهه را به وجود می‌آورد که ساختار سنی سالخورده مناسب این کشورها است. در حالی که مهاجرت نیروی کار از کشورهای در حال توسعه در مقایسه با سطح باروری سهمی چندان مهم در جوانی جمعیت آنها

ساختار سنی ارائه نماید. این تبیین به صورت گزاره‌هایی در بخش‌های مختلف کتاب و به طور مشهود در فصل سوم کتاب مشکلات جدی و اساسی دارد. به این جمله دقت کنید: «علمای اجتماعی معمولاً علل جوانی جمعیت را از طریق مطالعه باروری، مرگ و میر و مهاجرت‌های بین‌المللی تبیین می‌کنند». (صفحه ۳۶ پاراگراف دوم، سطر دوم تا چهارم) همان‌طور که مورد اشاره و تاکید قرار گرفت، باروری، مرگ و میر و مهاجرت (به معنای عام نه صرفاً بین‌المللی) یگانه عناصر تحول جمعیت و وضع و تغییرات ساختار سنی جمعیت‌های انسانی هستند. در حالی که در عبارت فوق واژه «معمولاً» اشاره به تردید در تاثیر فقط این سه مؤلفه است و تاکید بر مهاجرت بین‌المللی عدم توجه نویسنده را بر نظریه‌ها و مطالعات علمی جمعیت‌شناسی نشان می‌دهد. از این موارد به کرات می‌توان در کتاب

مشاهده کرد: «علت ساختار سنی سالخورده را باید در باروری، مرگ و میر و مهاجرت جستجو کرد. اثرات وقایع حیاتی و مهاجرت بستگی به سنی دارد که در آن این وقایع رخ می‌دهد، چون مرگ و میر و مهاجرت در هر سنی ممکن است اتفاق بیفتد. بنابراین موالید می‌تواند بر علیه سالخورده شدن جمعیت باشد. کاهش در موالید می‌تواند باعث افزایش سالخورده شدن جمعیت شود یعنی جمعیت کمتری وارد قاعده هرم سنی جمعیت می‌شوند». (صفحه ۳۷ پاراگراف دوم) جمع شدن و پهن شدن قاعده هرم جمعیت کاملاً تابع تعداد موالید است در حالی که سالخوردگی جمعیت پدیده‌ای نیست که به سرعت یا کاهش تعداد تولدها اتفاق بیفتد و با افزایش تولدها به سرعت مانع سالخوردگی شود. در حالی

که براساس نتیجه‌گیری‌ها و تبیین‌های مذکور گویی هر تغییری در موالید تغییر در سالخوردگی را به همراه دارد. این تبیین از عوامل ساختار سنی و

باروری از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ آن هم با مقایسه میزان باروری کلی ۷/۷ و ۷/۳ افزایش یافته است. (ت) نتیجه‌گیری‌ها: در مواردی اشاره گذرا به عوامل ساختار سنی جمعیت شده تا نتیجه‌گیری واقع‌بینانه نبوده، توجهی به سهم مهم هر یک از آنها نشود. این بیان که مهاجرت برای همه سنین رخ می‌دهد یا واقعتاً مشاهده شده در مورد مهاجرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مطابقت ندارد و حتی با آنچه در قسمت مربوط به نقش مهاجرت‌های بین‌المللی در همین کتاب آمده است تعارض دارد. از همین گفتار نتیجه شده است که مهاجرت تأثیرات کمتری دارد (صفحه ۳۸ سطر آخر پاراگراف اول). این در حالی است که مهاجرت نیروی کار که برای سنین فعالیت بیشتر اتفاق می‌افتد به درستی به عنوان یکی از ابزارهای تنظیم ساختار سنی به کار رفته است.

نویسنده در فصل سوم به درصد امید زندگی مردان و زنان اشاره کرده و از آن چنین نتیجه گرفته است که جمعیت در حال سالخورده شدن است (صفحه ۵۲ سطر اول تا چهارم). اگر منظور افزایش سطح امید زندگی است لزوماً با سالخورده شدن در کودکی مدت همراه نیست، گو این که اشارات سطور مذکور کاملاً گنگ و مبهم است. از همین مورد می‌توان به نتیجه‌گیری نویسنده در تحلیل نرخ رشد جمعیت کشور اشاره نمود: «اجرای سیاست‌های کنترل موالید در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ - ۱۳۴۵ موجب کاهش جمعیت در این دوره شده است». (صفحه ۶۹ سطر آخر). موارد مشابه دیگری نیز می‌توان در جای جای کتاب پیدا کرد.

(چ) عبارات و گزاره‌های تبیینی: همان‌طور که پیشتر اشاره شد کتاب «ساختار سنی جمعیت» علاوه بر توصیف ارقام و اعداد و بررسی ساختار سنی جمعیت تلاش نموده تا تبیینی از عوامل مؤثر بر

ندارد.

۴) ارزیابی غلط از داده‌های مهاجرت طول عمر (تفاوت محل تولد و محل اقامت) از کشورهای خارجی به ایران موجب شده تا تعارض جدی در نکات گفته شده در صفحه ۶۷ (پاراگراف آخر) و صفحه ۶۸ (پاراگراف آخر) به وجود آید. نویسنده نهایتاً تعداد مهاجران خارجی آمده به ایران را مشخص نکرده است.

۵) حتی با قبول رقم ۲/۵ میلیون نفر مهاجر خارجی به ایران، رقم کل مولد آنان با بالاترین سطح باروری (۲۵۰ = CBR میزان خام مولد معادل ۵۰ هزار) به ۱۲۵ هزار تولد می‌رسد (فرض بعید) در حالی که در همین کتاب آمده است که تعداد تولدها از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۵ حدود ۱/۲ میلیون فقره کاهش یافته است. البته چون نویسنده هیچ ارزیابی قابل قبولی از ارقام ذکر شده در صفحه ۳۹ کتاب ارائه نکرده است کاهش مذکور نیز نه قابل تائید و نه قابل تردید است. در هر حال با شواهد

ارائه شده در این کتاب این نتیجه‌گیری که مهاجرین خارجی به افزایش میزان باروری و جوانی جمعیت کمک می‌کنند (صفحه ۷۰) هیچ استناد تجربی و آمار قابل قبولی ندارد و به نظر واقع بیبنانه نیست. ج) فصل چهارم تحت عنوان «اثرات ساختار سنی جمعیت» یکی دیگر از جنبه‌های بسیار مهم ساختار سنی جمعیت‌های انسانی را مورد بحث قرار می‌دهد. در این فصل در صفحات ۷۳ تا ۸۶ توضیحات مفید و تقریباً جامعی از اثرات ساختار سنی بر اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و... در کشورهای مختلف ارائه شده است. اما برای ایده‌های مطرح شده در این مورد، هیچگاه شواهد تجربی و نتایج بررسی‌ها و آزمایش‌های انجام شده بر روی فرضیات، ارائه نگردیده است.

خ) فصل پنجم کتاب تحت عنوان «سیاست‌های ساختار سنی جمعیت» این انتظار را در نویسنده به وجود می‌آورد که محتوای این فصل بتواند اطلاعات مفیدی به خوانندگان منتقل نماید.

درباره این که امروزه چه برنامه‌ها و اقدامات مدونی از طرف دولت‌ها برای تنظیم ساختار سنی یا اثرگذاری بر عوامل مختلف به ویژه «مهاجرت» صورت می‌گیرد. در حالی که محتوای این فصل اساساً یک بحث عمومی از سیاست‌های مربوط به باروری و بیشتر تنظیم خانواده و حتی موارد خاص چون استفاده از وسایل جلوگیری را ارائه می‌کند. در این فصل اشاره‌ای بسیار کوتاه به مهاجرت (به زعم نویسنده مهاجرت بین‌المللی) به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ساختاری سنی شده است.

پیش از این نیز اشاره شد که عوامل مؤثر بر

ساختار سنی از سه مؤلفه و عنصر رشد، نشات می‌گیرند:

وقتی جانشینی نسل‌ها به قدری تند است (فزونی چشمگیر مولد بر مرگ و میر) که حرکت نسلی و سنی به کندی یا جانشینی تعداد کم فوت شدگان توسط نسل جدید صورت می‌گیرد، مسلماً ساختار سنی جوان خواهد بود و مهاجرت باید به عنوان یک عامل جبران‌کننده و یک راه حل به کمک تنظیم ساختمان سنی بیاید. برای جمعیت‌هایی که با جانشینی کند و حرکت سنی و نسلی آرام مواجه هستند نیز مهاجرت همین نقش را به عهده دارد و گاه در این مورد نقش مهم‌تری حتی نسبت به سطح زاد و ولد و باروری ایفا می‌نماید. بنابراین امروز در کنار سیاست‌هایی که به طور غیرمستقیم و از طریق تأثیر به باروری، ساختار سنی را متاثر می‌سازند، همچون سیاست‌های مربوط به کنترل مولد، دولت‌ها باید به ویژه در محدوده‌های داخلی و در کل، خط‌مشی‌ها و تصمیماتی را تدوین و اتخاذ نمایند که

براساس آن بتوان برنامه و اهداف مشخصی را در تنظیم ساختار سنی جمعیت پیش گرفت. مهاجرت خواه ناخواه به عنوان یک راه حل برای کشورهای درگیر جانشینی تند (اکثر کشورهای در حال توسعه و به ویژه کشورهای آفریقایی) و کشورهای درگیر جانشینی کند (اکثر کشورهای توسعه یافته اروپا و آمریکای شمالی) مطرح است و عملاً به وقوع می‌پیوندد و طرح سیاست‌های جمعیتی در این مورد می‌تواند تنظیم ساختار سنی در اثر مهاجرت را به کنترل و نظارت دولت‌ها درآورد. جای بحث از چنین سیاست‌هایی و چگونگی تصمیم دولت‌ها و موارد تجربه شده در این کتاب کاملاً خالی است.

د) نهایتاً از لایبالی گفته‌های کتاب می‌توان ایده‌هایی را آزمون شده استنباط کرد که گفته‌های این کتاب در این مورد کافی نیستند. در مواردی نیز طرح برخی ایده‌ها و طرز تلقی‌ها مبتنی بر اصول علمی و شواهد قابل اطمینان نیست و گاهی به نظر می‌آید از یک سوء برداشت نشأت گرفته است. برای نمونه تکرانی‌هایی که نویسنده از جمعیت جوان به خواننده القا می‌کند به نظر می‌آید نشأت گرفته از تحلیل تقارن توسعه نیافتگی و ساختار سنی جمعیت‌های کشورهای در حال توسعه باشد. (صفحه ۸۰).

طرح ایده مناسب بودن ساختار سنی سالخورده از موارد دیگری است که در جاهای زیادی از کتاب مورد تأکید قرار گرفته است. ناگاهی به این عبارات می‌تواند نشان دهنده سعی نویسنده بر پیشهاد سالخوردگی جمعیت به عنوان یک امتیاز برای کشورهای در حال توسعه باشد، در حالی که همان طور که پیشتر اشاره شد هر دو شکل از ساختار سنی

کشورها (جوان و سالخورده) خود با مسایل ویژه‌ای مواجه هستند. «.. جمعیت یک جامعه به خودی خود سالخورده نمی‌شود. جوانی که جمعیت خود را از دهه با برنامه ریزی‌های جمعیتی و اقتصادی، اجتماعی توانسته‌اند به این مهم دست یابند». (صفحه ۳۹ سطر دوم تا چهارم) در صفحات ۲۶ و ۲۷ کتاب نیز نویسنده (آگاهانه یا ناخودآگاه) تلاش کرده است تا ساختار سنی سالخورده را مناسب و مطلوب نشان دهد. بدون توجه به شرایط و مشکلاتی که برای این گونه جمعیت‌ها از طریق ساختار سنی به وجود می‌آید. در واقع طرح ایده مناسب بودن ساختار سنی سالخورده با آنچه در مورد اثرات ساختار سنی جمعیت در کشورهای توسعه یافته در خود کتاب در فصل چهارم آمده است کاملاً در تعارض و تناقض قرار دارد. قضا ما این نیست که ساختار سنی جوان را بر ساختار سالخورده ممتاز بشماریم، بلکه هدف از این نقد این است که یک‌سوزگویی به مسئله‌ای چنان مهم و عدم توجه به زمینه‌ها و شرایطی را که در آن ساختارهای مختلف سنی مشاهده و تجربه شده است، بارشناخته و از قضاوت مبتنی بر تقارن ساختار سنی خاصی با شرایط مطلوب و نامطلوب اقتصادی برهیز گردد.

مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی زیادی در پس اوضاع به ظاهر مناسب‌تر ساختار سنی سالخورده وجود دارد که کمتر از مشکلات مبتلا به ساختارهای سنی جوان نیست. آنچه تکران‌کننده است و به نظر می‌آید با واقعیات انطباق بیشتری داشته باشد این که هم تغییری کاذب و رابطه به ظاهر معکوس ساختاری سنی با توسعه یافتگی، نویسنده را در این مسیر قرار داده است. چرا که در حال حاضر اکثر کشورهای که ساختار سنی سالخورده یا رو به سالخوردگی دارند شرایط مطلوبتری از نظر اقتصادی- اجتماعی داشته و برعکس اغلب نزدیک به تمام کشورهای دارای ساختاری سنی جوان شرایط اقتصادی- اجتماعی چندان مناسبی نداشته و فقیرترین کشورهای جهان در این گروه قرار دارند.

در کل می‌توان امتیازات و نقاط قوت کتاب «ساختار سنی جمعیت» را در طرح موضوع بسیار حساس جمعیتی و اجتماعی دنیای کنونی که حاصل رژیم‌های جمعیتی آنها و چگونگی جانشینی نسل‌های آنها است. و در ریشه‌یابی و تعیین فهرست عوامل مستقیم و نامستقیم مؤثر بر ساختار سنی و خصوصاً در تهیه متن فصل چهارم دانست: هر چند به نظر می‌آید نویسنده در تحلیل دموگرافیک ساختار سنی، که فویرترین استدلال و تحلیل در این زمینه است، تا حدودی ناکام و ناتوان بوده است.